



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقد و بررسی مسلک تعهد

جمع بندی فرمایشات محقق خوئی در مسلک تعهد

بحث درباره فرمایش محقق خوئی بود. بیان شد که تحلیل محقق خوئی از معنای امر و نهی، تحلیلی است که بخشی از آن مبتنی بر مبنای ایشان در وضع است و بخش دیگر آن ناظر به فرمایش مشهور است که در آن مصداق شدن امر و نهی برای بعث و زجر را بعد از احراز داعی بعث و زجر، مطرح می کنند. پس فرمایش ایشان دو بخش داشت و همه آن مبتنی بر مبنای خودشان نبود. یک بخش از آن مبتنی بر مبنای خودشان در وضع بود که همان مسلک تعهد است و بخش دیگر ناظر به حرف مشهور از تلامذه آخوند است که آنها می گفتند صیغه افعال و لا تفعل، مصداق بعث و زجر هستند. ایشان این را قبول دارند و می فرمایند بعد از احراز اینکه داعی بعث و زجر است اینها مصداق بعث و زجر می باشند لکن مفهوم صیغه، بعث و زجر نیست. بلکه مفهوم صیغه در نظر ایشان همان است که بعداً تبیین می فرمایند. به همین خاطر بود که گفته شد اشکال شهید صدر به ایشان وارد نیست و اشکال محقق خوئی به مشهور بر اساس مبنای خود محقق خوئی در وضع نیست بلکه بر اساس مبنای مشهور است.

کما اینکه وقتی محقق خوئی قول مختار خود را نیز تبیین می کنند، این تبیین صرفاً بر اساس مبنای خودشان نیست. عبارت ایشان در جمع بندی و نتیجه گیری مهم است ایشان در این قسمت دو نکته را مطرح می کنند. در نکته اول تصویری نبودن و تصدیقی بودن دلالت وضع را بر اساس مسلک تعهد در وضع، توضیح می دهند. در نکته دوم، مصداق بودن امر و نهی برای بعث و زجر را بعد از احراز داعی مطرح می کنند. پس همه تحلیل ایشان بر اساس مسلک تعهد نیست.

نقد اشکال محقق خوئی به مشهور، مد نظر بودن امر و نهی اسمی نه مصداقی آن

در جواب نکته اول آقای خویی گفته شد، بحث منحصر به صیغه افعال و لاتفعل نیست. درست است که این صیغه ها مصداق اند اما بحث در مورد امر و نهی اسمی است. در نتیجه اشکال ایشان به مشهور وارد نیست و این پاسخ هم مبنایی نیست بلکه می گوییم به نظر مشهور صیغه، اشاره و تحریک و زجر خارجی، مصادیق امر و نهی اسمی هستند.

بررسی مسلک تعهد با توجه فرمایشات امام خمینی ره

حتی بر مبنای مسلک تعهد هم می توان به استدلال ایشان اشکال نمود. البته نه آن اشکالاتی که برخی مطرح نمودند و واقعا وارد نیست. برای پاسخ باید فرمایشات ایشان را در سه بخش بررسی نمود. بخش اولی که در مورد فرمایش محقق خویی باید بررسی شود، پاسخی است که امام ره به این استدلال مطرح نموده اند.

تقریر امام ره از مسلک تعهد

امام وقتی خواسته اند در حقیقت وضع بحث کنند مسلک تعهد را ذکر می کنند ایشان مسلک تعهد را از زبان استادشان حائری نقل می کنند و اشاره هم می کنند که ریشه این حرف در کلام محقق رشتی است. عبارت ایشان چنین است: « كما أنّ التّعهد - الذی وقع فی کلام المحقق الرشتی، و تبعه شیخنا الأستاذ قائلًا: {اینجا حرف مسلک تعهد را زیبا بیان می کنند. اینجا نکته اصلی مسلک تعهد را که محقق خویی هم روی همین نکته تمرکز دارند، مطرح می کنند. آن نکته این است که آیا لفظ می تواند ایجاد رابطه و علقه کند؟ حرف اصلی محقق خویی هم همین بود که نمی توان گفت انشاء ایجاد بواسطه لفظ است. اگر کسی قائل به این شد در همه انشاءات باید همین را بگوید. یعنی باید بگوید در بیع و اجاره و نکاح و موارد دیگر هم باید بگوید الفاضلی مانند بیعت و اشتريت و آجرت و غیره ایجاد معنا و عقله ملکیت و غیره می کند. این در حالی است که امکان ندارد دو چیز که نسبت به هم هیچ گونه ارتباطی ندارند بواسطه لفظ به هم مرتبط می شوند. به تعبیر محقق خویی لفظ نه تکوینا و نه تشریعا نمی تواند ایجاد رابطه کند. { قائلًا: إنه لا یعقل جعل العلاقة بین الأمرین اللذین لا علاقة بینهما أصلاً، {نمی توان با لفظ ایجاد رابطه کرد بین دو چیزی که با هم رابطه ندارند. در محل بحث، این رابطه بین لفظ و معناست. در بیع رابطه بین فرد و عین بر قرار می شود در اجاره رابطه بین فرد و منفعت بر قرار می شود. در هیچکدام از اینها، انشاء ایجاد رابطه بواسطه لفظ نیست. نه تکوینا و نه تشریعا. پس ایجاد رابطه بواسطه لفظ معنا ندارد و آنچه معنا دار است، التزام نفسانی و تعهد است. امام به خوبی این نکته که اصل حرف آقای رشتی و حائری است را بیان می کنند. { و الذی یمکن تعقله هو

آن يلتزم الواضع أنه متى أراد و تعقله و أراد إفهام الغير تكلم بلفظ كذا^۱ آنچه که معقول است، تعهد است. و الا ایجاد رابطه بین دو چیزی که با هم رابطه ندارند بوسیله لفظ معقول نیست. زیر بنای مسلک تعهد همین است.

نقد امام خمینی به مسلک تعهد

حرف امام این است که گویا این آقایان به دنبال رابطه واقعی بوده اند. بلکه اگر رابطه واقعی مد نظر باشد، بلکه لفظ نمی تواند ایجاد رابطه کند. به عبارت دیگر نمی توان گفت که انشاء ایجاد تکوینی رابطه بواسطه لفظ است. اما اگر رابطه، رابطه واقعی لحاظ نشود بلکه رابطه قراردادی و اعتباری مد نظر قرار گیرد؛ در این صورت بحث متفاوت خواهد شد. در این فرض دو بحث وجود دارد. یک بحث این است که گفته شود در مباحث اعتباری اصلا سببیت و مسببیت معنا ندارد و باید به جای اینکه گفته شود لفظ سبب است، گفت لفظ موضوع اعتبار است. این بحث کاملا صحیح است و در مورد همه اعتباریات به عنوان منطقی در اعتباریات، قابل بررسی است.^۲ بحث این است که در اعتباریات با اینکه رابطه واقعی نیست و قراردادی است اما چنین نیست که وقتی جعل سببیت شد، نیاز به اعتبار مسبب نباشد. حال وقتی نیاز به اعتبار مسبب وجود داشت و مسبب اعتبار شد، همین می شود موضوعی برای اعتبار دیگر. لذا حرف بسیار خوب امام اینجا این است که ما قبول داریم که در انشاء رابطه، رابطه واقعی نیست و در این رابطه اعتباری نیز چنین نیست که وقتی جعل سبب شد نیازی به جعل مسبب نباشد بلکه باید مسبب هم اعتبار شود. ریشه این بحث برگشت به احکام وضعیه دارد. ملاک هم در منطقی اعتباریات لغویت است. وجه اینکه می شود هم جعل سبب کرد و هم جعل مسبب همین نکته است که چنین جعلی لغو نیست.^۳ لذا هیچ اشکالی ندارد که بعد از جعل کل به عنوان مامور به، برای جزء آن نیز جداگانه جعل جزئیت شود.

امام ره با توجه به همین نکته به استاد خویش آقای حائری می فرمایند که اشکالی ندارد که لفظ بدین معنا، سبب برای اعتبار باشد. نه تنها این معنا اشکالی ندارد، بلکه باید به معنایی که در مسلک تعهد بیان می شود، اشکال کرد. زیرا تعهد خودش آن اعتبار نیست بلکه تعهد عمل به آن اعتبار و قرارداد است. پس جدای از تعهد، قرار و اعتباری وجود دارد که شخص متعهد می شود به آن قرار و اعتبار عمل کند. در نتیجه قرار قبل از تعهد است. چیزی که باعث می شود که این شخص متعهد به این قرار باشد، ضوابط خطابات عقلایی است.

^۱ مناهج الوصول إلى علم الأصول، ج ۱، ص: ۵۸.

^۲ قبلا در مباحث گوناگون از جمله در بحث بیع این مطلب کامل بررسی شد.

^۳ مفصل این مطلب را باید در بحث احکام وضعیه مورد بررسی قرار داد.

یکی از مطالب مهم امام ره همین مطلب است. عبارت ایشان در این زمینه چنین است: «کما أنّ التّعهد {ابتدا مسلک تعهد را توضیح می دهند- که قبلا بیان شد- و می فرمایند} أيضا متأخّر عن الجعل و التعيين؛ لأنّ هذا التّعهد هو الالتزام بالعمل بالوضع لا نفسه، {تعهد این است که شخص به وضع عمل کند نه اینکه تعهد خود وضع باشد} و ما قال: من أنا لا نعقل جعل العلاقة، هو حقّ إذا كان الوضع جعل العلاقة الواقعيّة، و أمّا إذا كان عمل الواضع تعيين اللفظ للمعنى {عمل واضح که تعیین آن رابطه اعتباری است} فهو بمكانٍ من الإمكان... فالاختصاص و الربط و التّعهد كلّها غير حقيقة الوضع.^۴»^۵

پس تعهد ربطی به حقیقت وضع ندارد. اینکه شخص تعهد داده است که به چیزی که وضع کرده است عمل نماید، مطلبی کاملا صحیح است و اینکه چه کسی این شخص را ملتزم به این کار کرده است؟ هم قابل بررسی است و سازمان خاص خود را دارد به نحوی که حتی اگر کسی وضع شخصی هم داشت این سازمان آنجا هم وجود دارد؛ لکن این موارد ربطی به حقیقت وضع ندارد. سازمان تفهیم و تفهم یعنی سازمان استعمال و این غیر از سازمان مساله وضع است. پس ضوابطی که در مورد اعتبار و قرارداد بین لفظ و معنا وجود دارد در سازمان وضع مطرح است و ضوابطی که ناظر به تفهیم و تفهم و التزام به عمل به این قرار داد است که شما اسم آن را تعهد می گذارید، سازمان دیگری دارد که همان سازمان استعمال است. بله مقام استعمال، اراده استعمالی، دلالت تصدیقی نوع اول یا به بیان محقق خوبی دلالت تفهیمی، ضوابط خاص خود را دارد. با توجه به همین نکته است که امام ره در بحث «استعمال لفظ در بیش از یک معنا» هم قائل اند نباید به دنبال مسائل حقیقی و قواعد عقلی رفت. بلکه آنجا نیز باید با قواعد عقلایی بحث را تحلیل نمود. و کسانی که مسائلی همچون مرآتیت، منحل شدن، صورت و ذی صورت و ... را مطرح می کنند در واقع خلط بین حقیقت و اعتبار می کنند. در حالی که وادی استعمال، سازمان خاص خود را دارد و بر اساس ضوابط عقلایی است و این ضوابط حتی در خطاب شخصی هم وجود دارد. خطاب شخصی مثلا وقتی قرار است اسم پسر زید گذاشته شود. علاوه بر خطاب شخصی، خطاب عمومی و خطاب قانونی و خطاب وحیانی نیز وجود دارد. آخوند خراسانی بحث را تا خطاب عمومی پیش برده اند لکن خطاب قانونی را مطرح نفرموده اند. پس آنچه که قائلین به مسلک تعهد اعم از آقایان محقق رشتی، حائری و خوبی مطرح می کنند، ناظر به دلالت استعمالی و مقام تفهیم و تفهم است و ربطی به بحث وضع ندارد.

^۴ در ادامه استاد فرمودند «و متأخّر عن الوضع» لکن در مناہج چنین عبارتی وجود نداشت و در منبع دیگری نیز یافت نشد.

^۵ مناہج الوصول إلى علم الأصول، ج ۱، ص: ۵۸.

این نکته اولی بود که باید بحث می شد. این نکته ناظر به کلام امام ره بود اما نکته دوم و سوم مطلبی است که ما با خود آقای خوئی داریم. یعنی حتی در فضای تعهد، در مورد تحلیل ایشان از دلالت وضع، باز چند خلط وجود دارد که باید بررسی شود. البته آنچه در این زمینه بیان می شود صرفاً اشاره به کدهای اصلی است که مفصل آن ها در درس های قبل وجود دارد.

مقرر: علی اکبر اژه ای